



سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت با آرمان‌های امام خمینی (ره)

## به وعده‌های انقلاب متعهد باشیم

سیدحسین خمینی گفت: به مردم وعده «استقلال»، «آزادی»، «دینداری» و «بیشرفت» داده شد؛ ضعیف شدن هر کدام یعنی تضعیف ریشه‌های بنیادین انقلاب و نظام. وی تصریح کرد: پای خارجی‌ها نباید به منافع سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری ما باز شود. سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با آرمان‌های امام خمینی (س)، با تأکید بر اینکه ایرانی‌ها همواره به دنبال دینداری بوده‌اند، گفت: مردم در قامت یک فقیه عارف مرجع، آرمان‌های خودشان را دیدند. به آنها وعده استقلال، آزادی، دینداری و پیشرفت داده شد و این چهار آرمان با هم انقلاب را نمایندگی کرده است.

«همدلی» آسیب‌شناسی فعالیت‌های سیاسی و مشارکت را در گفت‌وگو با «محمودصادقی» بررسی می‌کند

# لزوم نوسازی گفتمان اصلاحات

صفحه ۲



قلعه‌نویی در آستانه دیدار تیم ملی با قطر: ها!

## جنگنده‌تر و بهتر از همیشه ظاهر می‌شویم

**یادداشت‌ها**

**به جستجوی لبخند در زمستان!**  
دکتر امید مافی  
پژوهشگر

**«شجاعت» لازمه تفکر، لازمه دموکراسی**  
مسعود نادری  
فعال فرهنگی

**مردم و «مراجع» اجتماعی**  
حسن دادخواه  
فعال فرهنگی

**حماسه فوتبال منتهای سیاست**  
امید توفیقی  
پژوهشگر

**«همدلی» در پی نشت مجدد نفت در سواحل جنوبی کشور بررسی می‌کند**

**نفت دزدی قرن بیست و یکمی...!**

استخدام گونی به دوشان با ماهی ۱۵ میلیون تومان در شهرداری

**زباله‌گردی در پایتخت رسمیت می‌یابد**

در نشست رسانه‌ای سی‌ونهمین دوره جشنواره موسیقی فجر مطرح شد

**مجوز وزارت ارشاد مبنای حضور بانوان در کنسرت‌هاست**

سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با آرمان‌های امام (ره):

**به وعده‌های انقلاب متعهد باشیم**

سیدحسین خمینی گفت: به مردم وعده «استقلال»، «آزادی»، «دینداری» و «بیشرفت» داده شد؛ ضعیف شدن هر کدام یعنی تضعیف ریشه‌های بنیادین انقلاب و نظام. وی تصریح کرد: پای خارجی‌ها نباید به منافع سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری ما باز شود. سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با آرمان‌های امام خمینی (س)، با تأکید بر اینکه ایرانی‌ها همواره به دنبال دینداری بوده‌اند، گفت: مردم در قامت یک فقیه عارف مرجع، آرمان‌های خودشان را دیدند. به آنها وعده استقلال، آزادی، دینداری و پیشرفت داده شد و این چهار آرمان با هم انقلاب را نمایندگی کرده است. بعد از ۴۵ سال همواره باید به این مطلب توجه کنیم که اگر هر کدام از این چهار آرمان تضعیف شود، ریشه‌های بنیادین انقلاب و نظام اسلامی تضعیف می‌شود. گزارش خبرنگار گمان، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با آرمان‌های امام خمینی (س) که در سالروز حکم امام خمینی مبنی بر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد، ضمن تسلیت سالروز شهادت امام موسی بن جعفر (ع)، گفت: شاید انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نقطه تلاقی آرزوهای متعددی است که مردم ما در تاریخ داشته‌اند. یادگار امام با اشاره به اینکه از مشروطه به بعد چهار آرمان بزرگ در ناگه مردم ایران بوده و همواره برای آنها تلاش می‌کرده‌اند، تصریح کرد: یکی از این آرمان‌ها «استقلال» است. واقعیت این است که مشروطه با همه زیبایی و استبدادستیزی، یک نقطه منفی دارد و آن اینکه تجمع در سفارت خارجی شکل می‌گیرد. از اواخر دوره صفویه و بعد قاجار، همواره استقلال ایران از حیث سیاسی مورد خنده است. این تا جایی پیش می‌رود که انگلیسی‌ها می‌گویند رضاشاه را آوردیم و خودمان هم بردیم. پوی تأکید کرد: درد «عدم استقلال» همواره ذائقه و وجود ایرانی‌ها را تضعیف و رنجور می‌کرده؛ تا اینکه این داستان در اتفاق بزرگ ملی شدن نفت خودش را نشان می‌دهد و جریان ضد خارجی و ضد استعماری به سمت استقلال کشور گام بر می‌دارد. سید حسن خمینی با بیان اینکه یکی دیگر از این آرمان‌ها «آزادی» است، اظهار داشت: مشروطه حتماً یک انقلاب آزادی طلبانه است. اصل حریت و آزادی به سبب استبداد امثال عین‌الدوله و اتابک در روح و جان مردم ایران یک درد نشاننده است. رابطه حکام قاجار با مردم ایران، رابطه ارباب و رعیت نیست و رابطه خدایگان و بنده است و ظلمی که شکل می‌گرفت جان و روح مردم را آزار می‌داد. یادآور شد: سومین آرمان‌ها «بیشرفت» است. مردم می‌دیدند چگونه در شتاب توسعه جهانی، در جایی می‌زنند. کتاب خاطرات حاج سیاح یک دوره تاریخ اجتماعی آن مقطع است که به مشروطه ختم شده است. چقدر فقر و فلاکت آن دوران در کشور دردآور است. تمام کارگران روزمرد بنادر مهم منطقه ایرانی هستند؛ که بعضاً به خاطر یک وعده غذای گرم کار می‌کردند. یعنی فقر تا عمق زندگی مردم رفته بود. یادگار امام گفت: چهارمین ویژگی مهم که ایرانی‌ها همواره به دنبال آن بوده‌اند و آرمان آنها بوده، «دینداری» است؛ اینکه اسلام و به خصوص مکتب اهل بیت (ع) در جان و روح مردم باشد.

**دانه‌ای که پربار شد**

با پایش حساب خود تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان با حداکثر بازپرداخت ۵ ساله تسهیلات قرض الحسنه دریافت نمایید.

**مبعث پیامبر اکرم (ص) و چهل و پنجمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گرمای باد.**

**بانک پارسیان**

www.parsian-bank.ir

مرکز تماس و صدای پارسیان: ۸۱۱۵۱۰۰۰

**یادداشت**

**«شجاعت» لازمه تفکر، لازمه دموکراسی**

مسعود نادری - در علم منطق رابطه بین «تفکر» و «دموکراسی» از بین چهار حالت تساوی، تباین، عموم و خصوص من وجه و عموم خصوص مطلق، «عموم و خصوص من وجه» است. یعنی ضمن داشتن تفاوت، نقاط مشترکی هم دارند. یکی از نقاط مشترک آنها این است که لازمه هر دو «طلب مجهول» است. در تعریف کلاسیک تفکر می‌خوانیم، «سیر از مقدمات معلوم برای معلوم کردن مجهول مطلوب» و در تعریف دمکراسی گفته شده است، «روش‌های معین، نتایج نامعین» پس در هر دو نتایج از قبل نامعین و مجهول هستند... از آنجائیکه حقیقت تفکر تابعی از متغییر نامعین بودن نتیجه آن است (سوگیری در تحقیقات علمی، علم را از حقیقت آن دور می‌کند) پس هر چه نتیجه تفکر قبل از اتمام تحقیقات روشن‌تر باشد، ما از یک تفکر و تحقیق دقیق‌تر دورتر می‌شویم. در دمکراسی هم هر چه نتیجه انتخابات قبل از انتخابات معین‌تر باشد، از دمکراسی حقیقی فاصله گرفته‌ایم. با توجه به اینکه حقیقت علم و دمکراسی به روش آنان وابسته است لذا روش نتیجه‌گیری در تفکر و دمکراسی از خود نتیجه مهمتر است؛ زیرا اگر از راه مخصوص آن نگذریم هرگز نه دمکراسی محقق می‌شود و نه تفکر. اما تفکر و دمکراسی شباهت دیگری هم دارند. از لوازم ضروری هر دو «شجاعت» است. همانطور که گفته شد، در هر دو ما مطالب امری هستیم که نمی‌دانیم چیست. طالب امر مجهول بودن در تحقیقات علمی و نتیجه نامعین را طلب کردن در دمکراسی «شجاعت» می‌خواهد. هم آن امر نامعین که بوسیله دمکراسی معین می‌گردد. ممکن است جامعه را دچار تحلی عمیق و گسترده کند و هم آن امر مجهول که به وسیله تفکر و تحقیق معلوم می‌شود. ممکن است اعتقادات پیشین را زیر و رو کند. اما چه باک که: هر چه آن خسرو کند شیرین بود. البته از آنجائیکه رابطه بین تفکر و دمکراسی از نوع عموم خصوص من وجه است، با هم تفاوت‌هایی هم دارند. از تفاوت‌های آنها یکی آن است که اگر حکومت کنندگان تکیه به همه مردم داشته باشند و نه گروهی خاص، نتیجه انتخابات هر چه باشد جای نگرانی ندارد چون نهایتاً حکومت به دست اکثریت می‌افتد و چون اکثریت حکومت می‌کنند امنیت هم ایجاد می‌شود. لذا با فرض تکیه حکومت کنندگان به همه مردم، دمکراسی نه تنها ترس‌آور نیست که آرامش بخش و امنیت‌زا هم هست. اما این خصوصیت در تفکر نیست. تفکر بدون محدودیت، همیشه دل شیر می‌خواهد. کافی است کمی به سوسنومی که نظریه داروین در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف ایجاد کرده توجه کنیم. باری محدود کردن مردم در امر انتخابات و همچنین محدود کردن اندیشمندان در امر تحقیقات نه تنها دمکراسی و تفکر را از معنای حقیقی خود دور کردن است که نشانه عدم شجاعت هم است.

**فعال فرهنگی**

**یادداشت**

**به جستجوی لبخند در زمستان!**

دکتر امید مافی - پیرزنی که قصه پر غصه اش، داستانی الیم است و حکایت سفره کوچک و خالی اش حکایت زخم و نمک، حق داشت به وقت باریدن بپرسد جواب عُسرت و حسرت من و بچه‌های بی‌کرم و گرانی بی پایان و بیماری بی دوی نوه ام را چه کسی باید بدهد؟ خوشاوندانند دستان پینه بسته و خسته پیرزن و جمله‌هایی که سال هاست نو نمی‌شوند و از فرط سوزن خوردن مرقع و مندرس شده اند. کاش در دهه پیروزی انقلاب، مسوولان کمی بیشتر به این بیندیشند که خوب زیستن، خوب روزگار گذراندن و از بستر روزمرگی برخواستن، کمترین حق مردمی است که با تمام معادلات و مشکلات همچنان ایستاده اند و دلخوش اند به نسبتی که با سرزمین مادری دارند. پیرزنی که تنی و خوبی با محبوب سه رنگ، پیرزنی که نسخه بالابند داروهای نوه اش روی دستش مانده و در پی آمپول و قرص و آکسیژنی تا به جنگ نابرابر در خانه اش با سرطان پایان دهد و شور و شادی و شبنم را دوباره به خانه محقر اجاره‌ای خویش دعوت کند، نه از نرخ جدید دلار خیر داشت، نه قیمت سکه‌های که بازارش سکه بود را می‌دانست و نه از روزگار پاییزی ریال در این زمستان و این زمهریر و این زندگی الصاق شده به دلمردگی سسر در می‌آورد. او فقط می‌خواست لذت و سوسه انگیز پیر شدن کنار بچه‌ها و نوه‌هایی که هر هفته سراغش می‌گرفتند را در کاند و در امتداد شب، سراغ این روزهای تب آلود را با کیک یزدی و شربت و نارنگی بگیرد. کاش باور کنیم که خوشباشی و خوشبختی در هر نقطه از گیتی رابطه‌ای با کفش‌های پاره و دل‌های شکسته ندارد. کاش یقین پیدا کنیم زیست توأم با آسودگی و آسایش حق همه مردمانی است که چهل و پنج سال پس از یک انقلاب، لایق دنیای بهتر و فرخنده‌تر می‌هستند و حسرت یک سفر، یک همنشینی و یک غمده و ضایعت نباید بر دل هایشان بماند. وقتی این مردم با این درجه از حلم و صبوری، همچنان پای خانه پدری ایستاده اند و با چنگ و دندان از کبان این مرز پر گهر مراقبت می‌کنند و گلخانه‌ها را در کوجه‌های بی انتها جستجو می‌کنند، بجاست مسوولان و تصمیم‌گیرندگان نیز محض رضای خدا و خلق خدا جد و جهد بیشتری داشته و مرگ را در خانه همسایه نتوانند که ما همه مسافری یک قطاریم. ما ساکنان افسرده حال همین کوجه‌ها و همین خیابان‌های بی انتها که روزگاری با تمام دل‌پایسی‌هایمان زیر لب آرام و شمرده زمزمه می‌کردیم: فردا که بهار آید، آزاد و رها گردیم...

**پژوهشگر**